قاب

علیرضا سجادیفر

کوچه آرامش

با منزل آدینه روزی در خصوص فضل محله فعلی بر محله قبلی صحبت می‌کردم و آرامشی که در محل جدید داریم، در محل قبلی وجود نداشت. در همین اثنا از ته کوچه رفته‌رفته بانگ «خرده‌ریز انباری، قالی و قالیچه، بخاری برقی، بخاری‌سازی، کاسه و بشقاب، مس و چدن و آلومینیوم خریداریم» بلندتر و بلندتر می‌شد. گفتم نکنه خریدار فرش هم باشند، چون مدت‌هاست که باید فرش راهرو را پهن می‌کردم، اما متأسفانه شنیدم که علی جان آخر این فرش راهرو را پهن نکردی. حرفی نداشتم جز سکوت. اگر منزل فوتبالی بودند، بهشان می‌گفتم که کوتینیو را که می‌شناسی از عرش به فرش افول نجومی داشته‌است. او روزگاری سومین بازیکن گران‌قیمت فوتبال جهان بود تا ماجرا تمام شود، اما ماجرا ادامه پیدا کرد: «اینجا اصلاً این وانتی‌ها آرامش برایمان نگذاشته‌اند، هر ۱۰ دقیقه یک وانت از جلوی در رد می‌شود» (یعنی روزی دست‌کم ۵۰ تا). در هر حال موضوع کوتینیو را عوض کردم و گفتم یک وانت از فرش‌های سعدآباد همچنان مفقود است و تکلیف ۴۸ تخته فرشی که با وانت مزدا از کاخ سعدآباد خارج شده‌اند، برای مردم مشخص نیست. البته سرقت‌ها هم مال دوره شنیدن گرانی بنزین جمعه بود، و صحبت فرش و وانت در حال جمع‌آوری بود که دوباره بله «خرده‌ریز انباری، قالی و قالیچه، بخاری برقی، بخاری‌سازی، کاسه و بشقاب، مس و چدن و آلومینیوم خریداریم». همان لحظه سعی کردم چیزی بنویسم، اما برای که. من که نویسنده نیستم و دوست ندارم نان کسی را آجر کنم و از طرفی گفتم یا نان کسی را باید آجر کنم یا اینکه صبر کنم تا به پیرگوشی مبتلا بشوم، اما واقعاً از شمرون تا تور قوزآباد آلودگی صوتی وانت‌ها بیداد می‌کند، حتی بیشتر از بازار مسگرها.

در هر حال، متأسفانه بالاشهر و پایین‌شهر وجود ندارد. در هر جای تهران اگر چشم باز کنیم به تعداد زیادی از این وانت‌ها بر می‌خوریم که حتی خارج از ساعت اداری خریدار خرده‌ریز اداری هستند و از سایت‌های هسته‌ای مطالبه قالی و قالیچه را دارند و متأسفانه شده‌اند نماد شهر تهران. امیدوارم کسی بتواند راهی برای درمان پیرگوشی‌ام پیدا کند یا اعصاب خرد کوچه ما و کوچه‌های بالاتر را هم بخرد و با خودش ببرد.

ویژه

موتور جت هواپیمای مسافربری ایران ساخت شد

متخصصان ایرانی یک شرکت دانش‌بنیان با تلاش شبانه‌روزی موفق به مهندسی معکوس موتور جت CFM56 به عنوان پرتیراژترین موتور هواپیمای مسافربری جهان شدند؛ این دستاورد بزرگ نقطه عطفی در صنعت هوایی کشور محسوب می‌شود.

مانی رضوانی، از مدیران «شرکت مهندسی و ساخت موتور و تجهیزات هوایی ایرانیان» گفت: مأموریت اصلی شرکت دانش‌بنیان ایرانیان، ارائه خدمات طراحی، ساخت و تعمیرات در حوزه صنعت هوایی تجاری است. این مدیر شرکت دانش‌بنیان خاطرنشان کرد: موتور توربوفن CFM56 به‌عنوان پروژه اصلی این تیم انتخاب شد که نخستین قدم فرآیند مهندسی معکوس کامل موتور بود.

وی ادامه داد: در زمان حاضر این موتور پرتیراژترین موتور هواپیمای مسافربری توربوفن در دنیا است که ساخته شده و امروز رکورددار ساعت پروازی در کل ناوگان هواپیمایی مسافربری جهان است و عمدتاً در خانواده ایرباس‌های A320، A319 و A340های چهار موتوره و بوئینگ‌های ۷۳۷ کلاسیک نصب شده و در حال خدمات‌رسانی در ایرلاین‌های سراسر جهان است.

رضوانی خاطر نشان کرد: پس از هفت سال تلاش مستمر، به دانش طراحی کامل این موتور دست یافته‌ایم؛ تمامی مرحله‌های پره‌های کمپرسور این موتور مهندسی معکوس و ساخته شده‌اند؛ بخش عمده‌ای از اجزای محفظه احتراق موتور و بخش توربین (Hot Section) آن نیز ساخته شده‌است. ساخت بخش‌های جانبی دیگر این موتور، از جمله واحد کنترل موتور (FADEC)، سنسورها، انواع تجهیزات دقیق اندازه‌گیری و کنترلی، والوها و پمپ‌های هیدرولیک و نئوماتیک، گیربکس، سیستم انتقال دیتا و کابلینگ نیز به پایان رسیده‌است.

وی گفت: طراحی و ساخت پره‌های فن نیز به طور کامل انجام شده‌است و اکنون برای تمامی قطعات ساخته‌شده در حال اخذ گواهینامه صلاحیت پرواز از سازمان هواپیمایی کشوری هستیم.

این مدیر شرکت دانش‌بنیان اظهار کرد: مهندسی معکوس این موتور از نظر دانش طراحی به طور کامل انجام شده‌است، اما برای نمونه اولیه از نظر ساخت تاکنون حدود ۳۳ درصد پیشرفت فیزیکی داشته‌است. در بحث تولید انبوه این موتور، باید مشتریانی وجود داشته‌باشد. در دنیا و در صنعت هوانوردی نیز، شرکت‌های بزرگ مانند بوئینگ و ایرباس سازنده AIR FRAME یا بدنه هواپیما هستند و هیچ کدام تولید موتور انجام نمی‌دهند. رضوانی خاطر نشان کرد: بخش هسته اصلی این موتور توسط شرکت‌امریکایی جنرال الکتریک ساخته شده‌است، مابقی اجزا، مثل توربین کم‌فشار (LPT) توسط شرکت سافران در فرانسه طراحی و تولید شده‌است. مالکیت معنوی و امتیاز نهایی این موتور متعلق به شرکت سی‌اف‌ام اینترنشنال است که یک کمپانی دوملیتی فرانسوی ـ امریکایی است.

مدیر این شرکت دانش‌بنیان ابراز کرد: هم‌اکنون شرکت ایرانیان در سه حوزه تخصصی شامل تعمیرات موتور و تجهیزات جانبی موتور (MRO)، طراحی و مهندسی موتور (DOA) و ساخت قطعات (POA) فعالیت دارد و به ایرلاین‌های داخلی خدمات‌رسانی می‌کند.

مدیر این شرکت دانش‌بنیان در گفت‌وگو با تسنیم اظهار کرد: در زمان حاضر در حال بررسی نحوه ارتباط و فرآیندهای اخذ گواهینامه ساخت و تعمیرات خانواده موتور CFM از آژانس ایمنی هوانوردی اتحادیه اروپا (EASA) هستیم. فرآیندهای اخذ گواهینامه‌ها برای قطعات ساخته‌شده این موتور به‌دلیل پیچیدگی‌های فنی و الزامات ایمنی هوانوردی، طولانی‌تر از فرآیند اخذ گواهینامه تعمیرات موتور مذکور است. وی گفت: در این فرآیند، باید عملکرد نمونه قطعات ساخته‌شده در شرایط کارکردی واقعی موتور به‌طور کامل ارزیابی شود تا نشان داده شود که قطعه ساخته‌شده تمامی انتظارات طراحی را برآورده می‌کند و صلاحیت و ایمنی لازم را برای نصب روی موتور هواپیمای مسافربری دارد.

خبر کوتاه

- مدیر کل امور کودکان و نوجوانان سازمان بهزیستی کشور گفت: نگهداری موقت از کودک تبعه بی‌سرپرست یا بدسرپرست در اجرای طرح خانواده میزبان برای ایرانیان و دیگر اتباع میسر شد.
- معاون اول قوه قضائیه گفت: به‌رغم افزایش ورودی پرونده در سال ۱۴۰۲ شاهد کاهش میانگین متوسط زمان رسیدگی بودیم و کاهش ۱۰ درصدی میانگین متوسط زمان رسیدگی در سال گذشته و کاهش ۸ درصدی پرونده‌های معوق را داشتیم.
- رئیس انجمن علمی طب سنتی ایران گفت: پس از ۱۷ سال فعالیت دانشکده‌های طب ایرنی صرفاً ۵۰۰ نفر در رشته طب ایرانی فارغ‌التحصیل شده و ۵۰۰ نفر هم در حال تحصیل هستند.
- مدیر عامل بنیاد برکت گفت: در راستای رفع مشکل کمبود پابندهای الکترونیکی بنیاد برکت اقدام به تولید ۱۰ هزار پابند الکترونیک به ارزش ۳۰ میلیارد تومان در طول چهار ماه کرده‌است.

گفت‌وگوی «جوان» با معلم خوش‌ذوقی که همدم اهالی یک روستای مرزی شده‌است

پرورش کودکان با آموزش به والدین

گفت‌وگو
مهسا گربندی

در روزگاری که معلمان با مشکلات معیشتی و کم و کاستی‌هایی که در کارشان وجود دارد دست و پنجه نرم می‌کنند، برخی از معلمان با جان و دل پای کار ایستاده و تمام انرژی و توان خود را صرف زندگی و آینده دانش‌آموزان‌شان کرده‌اند. آرام احمدپور یکی از همین معلمان است. او کارشناسی ارشد تاریخ دارد که پس از فارغ‌التحصیلی از مرکز تربیت معلم شهید رجایی ارومیه به روستای مرزی و عشایری گلاز فرستاده شد. هر چند روزهای اول برایش به سختی می‌گذشت و لحظه‌شماری می‌کرد تا دوران خدمتش تمام شود تا به شهر خود بازگردد، اما به مرور زمان با دیدن محرومیت و معصومیت کودکان روستای گلاز، جذب آنجا شد و تصمیم گرفت برای همیشه کنار این بچه‌ها بماند، تا دانش و وقتش را صرف اهالی روستا کند. حالا او فقط یک معلم برای دانش‌آموزان ابتدایی این روستا نیست، بلکه ۱۸ سال است که همراه و همدم اهالی آنجا شده است. راز و رمز ماندگاری آقا معلم در این روستای کم‌برخوردار بسیار شنیدنی است و خاطرات زیادی برای تعریف کردن دارد، از همین‌رو «جوان» با این معلم مهربان و خوش‌ذوق گفت‌وگو کرده‌است.

اقدامات شما در این ۱۸ سال فراتر از یک معلم بوده‌است و با جان و دل به این روستا و اهالی آن خدمت کرده‌اید. لطفاً در این رابطه و هدفی که داشتید توضیح دهید.

از ۱۸ سال قبل تا کنون، لحظه‌به‌لحظه در زندگی با این مردمان، سعی کردم در غم‌ها و شادی‌هایشان شریک باشم و گرهی از مشکلات‌شان بگشایم.

در تمام این سال‌ها با دوربین یا تلفن همراه از مناسبت‌های مختلف و اتفاقات روستا فیلمبرداری کردم و به نوعی کار مردم‌نگاری و جمع‌آوری تاریخ شفاهی منطقه را انجام دادم. با همراهی مردم، با مراجعات و نامه‌نگاری‌های متعدد به ادارات شهرستان و حتی استان سعی کردم مردم روستای گلاز نیز همچون سایر شهروندان ایران عزیزمان، از امکانات رفاهی و خدماتی همچون جاده آسفالت‌شده، اینترنت پرسرعت، لوله‌کشی گاز خانگی و تجهیز مدرسه به امکانات هوشمند برخوردار شوند. جهت تغییر نگرش جامعه نسبت به آموزش و پرورش با هزینه شخصی هر ساله ۲ هزار عدد تقویم دیواری را که مزین به جملاتی از بزرگان در مورد اهمیت علم و دانش و همچنین تصاویری از فعالیت‌های دانش‌آموزان است، چاپ و به در منازل تمامی اهالی روستا بردم و همچنین در تمامی مدارس شهری و روستایی، تمامی ادارات و مغازه‌ها شهرستان اشنویه توزیع کردم. همچنین خانواده‌های نیازمند را برای تأمین نیازهای خوراک و پوشاک شناسایی و به خیرین و مؤسسات مربوطه معرفی کردم. البته بیان این نکته را ضروری می‌دانم که هیچ‌کدام از این کارها در جهت رزومه‌سازی نبوده و تنها مشوقم در این مسیر، عشق و علاقه قلبی بوده و بس.

«در آسمان علم، عمل برترین پر است/ در کشور وجود، هنر بهترین غناست» بنده در طول ۱۸ سال خدمت در آموزش و پرورش شهرستان اشنویه که خوشبختانه تمام دوران خدمتم را در روستای مرزی و عشایری گلاز گذرانده‌ام، فعالیت‌های آموزشی، پژوهشی و پرورشی زیادی را انجام داده‌ام که همه اینها به لطف خدا در این روستا انجام شده‌است.

یکی از خاطراتی که در این مدت در ذهن شما ماندگار شده‌است، چیست؟

یادش به خیر، سال‌های اول حضورم در روستای گلاز، من و همکارانم به علت خاکی بودن جاده، کمبود خودرو و از سویی مشغله زیاد اولیای دانش‌آموزان، تصمیم گرفتیم مسئولیت جابه‌جایی ورودی‌های کلاس اول ابتدایی را به شهر اشنویه برای ارزیابی فرآیند سنجش سلامت بر عهده بگیریم. بعضی روزها به علت طولانی شدن روند سنجش در شهر برای آنها ناهار می‌گرفتیم تا در مسیر روستا نوش جان کنند. روزی یکی از آنها گفت: «آقا، کباب چقدر خوشمزه است، من اولین بارمه که کباب می‌خورم»؛ با شنیدن این سخنان کودکانه و بی‌ریای پژمان، یکه خوردم و وقتی از بقیه پرسیدم، آنها هم همین حرف را تکرار کردند! بعد از این ماجرا مصمم‌تر شدم که تمام دوران خدمتم را با این کودکان معصوم و بی‌آلایشی زندگی کنم که به ندرت سالی یک یا چندبار شهر را می‌بینند. حالا با وجود اینکه نزدیک به دو دهه از آن دوران گذشته و با تلاش مسئولان خدوم مردمان بزرگوار روستای گلاز از نعمت جاده آسفالت‌شده گاز خانگی و اینترنت پرسرعت برخوردارند، ولی هنوز بر عهد و پیمان خویش وفادار مانده‌ام و زندگی‌ام با این مردمان دوست‌داشتنی عجین شده‌است.

در این مسیر چه موانعی بر سر راهتان وجود داشته و خواسته شما از مسئولان آموزش و پرورش کشور چیست؟

هر چند در این مدت بنده و همکارانم با موانع و مشکلات عدیده‌ای از جمله صعب‌العبور بودن و مسافت زیاد روستا، کمبود تجهیزات آموزشی و نبود مدرسه ابتدایی دست و پنجه نرم کرده‌ایم، اما با توکل به خدای مهربان و با تلاش و پشتکار هر آنچه در توان داشته‌ایم، برای این آینده‌سازان سرزمین‌مان در طبق اخلاص گذاشتیم.

در چند سال اخیر با اجرای طرح رتبه‌بندی گام‌هایی برای ارتقای منزلت اجتماعی معلمان برداشته‌شده اما کافی نیست و از مسئولان عزیز انتظار داریم توجه بیشتری به این قشر اثرگذار جامعه (خصوصاً معلمان مناطق عشایری) داشته‌باشند تا آینده‌ای بهتر و روشن‌تر را برای فرزندان این مرز و بوم رقم بزنند.

در پایان از همه مردم مهربان، خصوصاً خیرین عزیز و مسئولان دلسوز، تقاضا دارم فکری به حال دانش‌آموزان معصوم روستای گلاز کنند، چراکه از سال ۱۳۸۷ تاکنون که مدرسه ابتدایی روستا تخریبی اعلام شد دانش‌آموزان ابتدایی از نعمت داشتن مدرسه بی‌بهره بوده‌اند و مجبورند با طی کردن مسافت طولانی و پذیرش خطراتی همچون برف و کولاک شدید و حمله حیوانات وحشی در مدرسه راهنمایی درس بخوانند.

چه شد که همچنان در روستای مرزی و عشایری گلاز ماندگار شدید و به شهر خود برنگشتید؟

فراموش نمی‌کنم روزی را که در تابستان ۱۳۸۵ بعد از فارغ‌التحصیل شدن از مرکز تربیت معلم شهید رجایی ارومیه به اداره آموزش و پرورش اشنویه مراجعه کردم و به علت نداشتن سابقه خدمت، دورترین روستای عشایری شهرستان، یعنی روستای گلاز قسمتم شد؛ روستایی سردسیر و کوهستانی که در ۱۶ کیلومتری شهرستان اشنویه واقع شده، هم‌مرز با کشورهای عراق و ترکیه است و اکثریت مردمش به کشاورزی و دامداری مشغولند.

روزهای اول تدریس خیلی به سختی می‌گذشت، فقط دعا می‌کردم که سال تحصیلی سریع‌تر به پایان برسد، چراکه هم مسافت روستا زیاد و هم مسیر آن صعب‌العبور و خاکی بود. من اولین‌بار بود که زندگی در یک روستای مرزی و عشایری را از نزدیک لمس می‌کردم و با آداب و رسوم و فرهنگ آنها آشنا می‌شدم. قسمت سخت‌تر ماجرا اینکه هر سال از آذرماه، به علت بارش سنگین برف و کولاک شدید، رفت و آمد به روستا مختل و حتی راه ارتباطی آن برای یک یا دو هفته مسدود می‌شد! اما می‌دیدم معلمان، عاشقانه با پای پیاده رهسپار راه پر پیچ و خم روستا می‌شدند و سوز سرما و خطرات مواجه شدن با حیوانات وحشی (از جمله گرگ و گراز) هم نمی‌توانست کوچک‌ترین خللی در اراده آنها وارد کند! اینها همه‌اش به عشق خدمت به کودکان روستا بود، اینکه آنها هم بتوانند آینده درخشانی را برای خودشان رقم بزنند. به همین دلیل دیگر منتظر این نبودم سال تحصیلی تمام شود و از روستا بروم، بلکه حتی تصمیم گرفتم در آنجا اقامت کنم و مدتی پیش اهالی روستا بمانم.

بعد از چند ماه سکونت در روستا، کم‌کم با مردم، دانش‌آموزان و محیط آن انس گرفتم و تازه فهمیدم که خداوند چقدر به بنده لطف داشته که مرا با چنین مردمانی آشنا کرده‌است. مدام آیه ۲۱۶ سوره بقره در ذهنم تداعی می‌شد؛ «... چه بسا چیزی را دوست نمی‌دارید و آن چیز برای شما نیک است و چه بسا چیزی را دوست داشته باشید و آن چیز برای شما بد باشد و خدا می‌داند و شما نمی‌دانید.»

از چه نظر با زندگی عشایری و روستایی انس گرفتید؟

قبلاً جسته و گریخته درباره زندگی عشایر، مطالبی شنیده بودم، ولی به قول پیشینیان «شنیدن کی بود مانند دیدن» وقتی با عشایر باشی، معنای معجزه زندگی را درک می‌کنی. به نظر من لحظه لحظه بودن با این دانش‌آموزان، شیرین، خاطره‌انگیز و تجربه‌ای تازه است، وقتی کنار آنها هستی، گذر زمان را احساس نمی‌کنی. با بودن در کنار این دانش‌آموزان، فهمیدم توانایی‌هایی دارم که تاکنون از آن خبر نداشته‌ام و خودی را دیدم و شناختم که تا آن زمان نمی‌شناختم. فهمیدم وقتی با آنها هستم، باید معلّم، پدر، مادر، برادر، خواهر، دوست و همبازی‌شان باشم. باید دل به آنها بدهم و در کنارشان بمانم، با خنده‌شان بخندم، برای غصه‌شان آغوش باز داشته‌باشم و برای حل مشکلات‌شان از جان و دل مایه بگذارم.

«در آسمان علم، عمل برترین پر است/ در کشور وجود، هنر بهترین غناست» بنده در طول ۱۸سال خدمت در آموزش و پرورش شهرستان اشنویه که خوشبختانه تمام‌دوران خدمتم را در روستای مرزی و عشایری گلاز گذرانده‌ام، فعالیت‌های آموزشی، پژوهشی و پرورشی زیادی را انجام داده‌ام که همه اینها به لطف خدا در این روستا انجام شده‌است

زندگی کردن با چنین مردمان سختکوشی، تأثیر زیادی بر روحیه‌ام گذاشت. از همان موقع، با خدای خود عهد بستم که تا حد امکان تمام دوران خدمتم را در مناطق عشایری باشم، که خوشبختانه تا این لحظه که ۱۸ سال از آن تاریخ می‌گذرد، با وجود پیشنهادات فراوان برای قبول مسئولیت پست‌های اداری بر عهد و پیمان خویش پایبند مانده‌ام و تمام دوران خدمتم را با این مردمان دوست داشتنی زندگی کرده‌ام.

بدون شک در این روستا مشکلات زیادی از جمله ترک تحصیل دانش‌آموزان هم وجود داشته و دارد. با این موضوع چطور برخورد کردید؟

سال دوم خدمتم در روستای گلاز، روز آغاز سال تحصیلی، متوجه شدم تعدادی از دانش‌آموزان سال قبل در مدرسه حضور ندارند، قضیه را زیاد جدی نگرفتم. با خود گفتم، حتماً فردا به مدرسه می‌آیند، اما چند روز بعد هم خبری از آنها نشد. وقتی علت را جویا شدم، فهمیدم آنها ترک تحصیل کرده‌اند و دیگر به مدرسه نخواهند آمد. با شنیدن این موضوع، حالت عجیبی سراسر وجودم را فرا گرفت. مدتی بعد فهمیدم متأسفانه این چرخه ناخوشایند ترک تحصیل سال‌هاست در این روستا تکرار می‌شود. بنابراین در اولین قدم، در پی علل ترک تحصیل دانش‌آموزان برآمدم و چون همه زندگی‌ام با مردم گلاز عجین شده و در این مدت همچون عضوی از خانواده آنها بودم با تحقیقات و بررسی‌های میدانی، موارد زیر را از مهم‌ترین عوامل ترک تحصیل دانش‌آموزان روستای گلاز تشخیص داد؛ جامعه سنتی و فقر فرهنگی حاکم بر آن جامعه، مشکلات اقتصادی خانواده‌ها، بیگانه بودن اولیا با محیط مدرسه، استفاده از کودکان به عنوان نیروی کار، جذاب نبودن محیط مدرسه، نبود حتی یک نفر کارمند اهل روستا و الگو قرار دادن او در زندگی. یقیناً در چنین جامعه‌ای برای رفع این معضل فرهنگی، در گام اول نیاز به فرهنگ‌سازی و تغییر نگرش اهالی بود، به همین دلیل در طول این سال‌ها، برای تغییر نگرش اهالی نسبت به آموزش و پرورش و همچنین احساس مسئولیت آنها نسبت به آینده فرزندان‌شان، با اراده‌ای راسخ و خستگی‌ناپذیر اقدامات زیادی را انجام دادم، از جمله برگزاری جلسات مستمر و هدفمند با اولیا، اختصاص چندین خطبه نماز جمعه روستا به اهمیت تعلیم و تربیت، آشتی دادن دانش‌آموزان با کتاب و کتابخوانی، تأمین هزینه‌های تحصیلی دانش‌آموزان نیازمند، شاد کردن محیط مدرسه برای دانش‌آموزان با انواع روش‌های خلاقانه، دعوت از معلمان بومی جهت سخنرانی و بالا بردن انگیزه دانش‌آموزان برای درس خواندن.

هر چند در مسیر جذب دانش‌آموزان بازمانده و تارک تحصیل، مصائب و ناملایمات زیادی را متحمل شدم، اما هیچ‌گاه دلسرد نشدیم و با عزمی راسخ و استوار با خلاقیت‌ها و ابتکاراتی که به کمک دوستان به خرج دادیم، توانستیم دانش‌آموزان زیادی را به چرخه تعلیم و تربیت بازگردانیم. اکنون به شکرانه الهی و در نتیجه نزدیک به دو دهه تلاش خستگی‌ناپذیر، در روستایی که اکثریت ساکنانش با علم و دانش میانه‌ای نداشتند و حتی بیگانه بودند و از تحصیل فرزندان‌شان جلوگیری می‌کردند ۲۳نفر فارغ‌التحصیل دانشگاه، هشت نفر دانشجو، پنج نفر شاغل در ادارات دولتی، یک نفر استاد دانشگاه، چهار نفر مربی پیش‌دبستانی و شش نفر همکار فرهنگی هستند و خوشبختانه چهار نفر از این بزرگواران در روستای گلاز با من همکارند.

یادداشت

تضعیف مدارس دولتی نقض اصل ۳۰ قانونی اساسی

جهانگیر نیکخواه
کارشناس حقوق

مبنای ورود بخش خصوصی در حوزه علمی و فرهنگی کشور، یک آفت بزرگ است؛ غفلت امروز، فردای پرمخاطره و آسیب‌پذیری را در پشتوانه علمی و آموزشی کشور به دنبال خواهد داشت. تبدیل مدارس به بنگاه‌های اقتصادی، تهدید جدی در حوزه تعلیم و تربیت است، چراکه هدف اصلی این مدارس، ثروت‌اندوزی بوده با این هدف که در این مراکز آموزشی غیردولتی، با به کارگیری نیروهای خدماتی با حقوق کم و اخذ شهریه زیاد از اولیای دانش‌آموزان و در مقابل، عدم مشارکت همه‌جانبه دولت در تأمین مدارس دولتی، همواره به صورت غیرمستقیم اما تأثیرگذار، به سمت اجرایی شدن سند ۲۰۳۰ در کشور می‌رود. در برهه جنگ نرم کنونی، دشمن با چراغ خاموش، همه هدف‌های توسعه کشور را نشانه گرفته و تهدید نظام فعلی آموزشی، سبب‌ساز آموزش کالایی را در مدارس فراهم آورده‌است. اگر این موضوع در جامعه نهادینه شود، دستیابی به اندیشه و کارآمدی دانش‌آموزان نخبه در کشور فراهم نخواهد شد.

رشد مدارس غیرانتفاعی، تحصیلات رایگان در نظام آموزشی کشور را به مخاطره انداخته و بر همین اساس، هدایت دانش‌آموزان از مدارس دولتی به مدارس غیردولتی، ضمن نقض اصل ۳۰ قانونی اساسی، شیوه نقض آشکار حقوق شهروندی، تبعیض اجتماعی و سرانجام ناعدالتی آموزشی را در بین مدارس و خانواده‌ها شکل می‌دهد. همین معضل، عدم دستیابی یکسان دانش‌آموزان به عدالت اجتماعی را سبب‌ساز شده‌است، به نوعی که در نظام آموزشی بر عدم توانمندسازی دانش‌آموزان تأثیرگذار است. برهمین اساس، دانش‌آموز فرهیخته در جامعه تربیت نمی‌شود، به طوری که با شکل‌گیری مدارس غیردولتی، در آینده بنیان‌های علمی، اقتصادی، فرهنگی و سایر موارد مرتبط با این حوزه تهدید می‌شود و بی‌شک در زمینه‌های مختلف، به خودکفایی و توسعه در کشور دست نمی‌یابیم.

خروج دانش‌آموزان بی‌بضاعت و طبقه پایین مالی از تحصیل، با هدف راهبردی سند تحول بنیادین آموزش و پرورش مغایر بوده و این آسیبی بزرگ برای نظام آموزشی به شمار می‌رود. به عبارتی آمار ترک تحصیل در مناطق کم‌برخوردار روزبه‌روز افزایش می‌یابد و این نابرابری آموزشی با حاکم شدن وضعیت نامطلوب اقتصادی به خانواده‌های ایرانی، هیچ توجیه موجهی ندارد. در نتیجه سیاست‌های کلان و غلط علمی و آموزشی، نظام تحصیلی را به سمت کالاسازی هدایت می‌کند. طرد هر دانش‌آموز از تحصیل، رشد فقر و بزهکاری‌های اجتماعی را به همراه خواهد داشت. مدرسه‌فروشی از اقدامات ناصواب دولت‌های قبلی است که در ایجاد شکاف تحصیلی دانش‌آموزان در مدارس به اصطلاح دولتی و غیردولتی ناشی شده‌است.

نظام آموزشی کشور در فقر برنامه‌ریزی به سر می‌برد و عدم بسترسازی برای ورود بخش خصوصی به مجموعه‌های آموزشی و فرهنگی با تجویز سیستم آموزشی بدون برنامه‌ریزی، نشان از عدم مدیریت در این حوزه است. این موضوع خواه‌ناخواه تیشه بر ریشه علمی و آموزشی می‌زند. بخش خصوصی که در آموزش ورود می‌کند، ضمن بالا بردن هزینه‌های جاری برای خانواده‌ها، آنان را خود به خود از خدمات دولتی منع کرده و به این شکل، تبعیض اجتماعی بر کشور حاکم می‌شود.

همواره عملکرد نامطلوب و پرخطای دولت‌ها در خصوصی‌سازی‌های بی‌رویه در حوزه آموزش، برخورد سلیقه‌ای را به همراه داشته و نسل آینده را در بلاتکلیفی انتخاب صحیح مسائل تربیتی و اخلاقی قرار می‌دهد. سپردن نظام آموزشی به بخش خصوصی، برخاسته از مدیریت بر مبنای افراط و تفریط با نگاه غفلت‌آمیز از آینده‌نگری مطلوب است.

از شهر

۵ هزار اتوبوس نو به ناوگان پایتخت اضافه می‌شود

مدیر عامل شرکت واحد اتوبوسرانی تهران از اضافه شدن ۵ هزار دستگاه اتوبوس به ناوگان پایتخت خبر داد.

مهدی علیزاده، مدیر عامل شرکت واحد اتوبوسرانی تهران اظهار کرد: بیش از ۱۰ الی ۱۲ سال بود که اتوبوس‌های سطح شهر تهران نوسازی نشده‌بودند و این عدم نوسازی در حوزه حمل‌ونقل موجب گلایه و ناراحتی شهروندان شده‌بود.

وی افزود: به دلیل عدم نوسازی در ناوگان اتوبوسرانی بیش از یک دهه کولرهای اتوبوس‌ها نیز در فصل گرما مورد استفاده قرار نمی‌گرفت و همه این موارد گلایه شهروندان را به‌همراه داشت، اما در این دوره از مدیریت شهری و با تأکید شهردار تهران نوسازی ناوگان حمل‌ونقل عمومی اعم از اتوبوسرانی در دستور کار قرار گرفت.

علیزاده تصریح کرد: عقد قرارداد جهت ورود ۲هزارو ۵۰۰ دستگاه اتوبوس برقی با اعتبار ۲۰همت با شرکت چینی و همچنین عقد قرارداد برای ساخت ۲هزارو ۵۰۰ دستگاه اتوبوس داخلی از موضوعاتی بوده که در این دوره از مدیریت شهری اجرا شده‌است و ان‌شاءالله ظرف امسال و سال آینده، ۵ هزار دستگاه اتوبوس نو وارد ناوگان اتوبوسرانی پایتخت خواهد شد.

مدیر عامل شرکت واحد اتوبوسرانی تهران ادامه داد: از ۵ هزار دستگاه اتوبوس اشاره‌شده ۳ هزار دستگاه اتوبوس برقی هستند که از این تعداد نیز ۲هزارو ۵۰۰ دستگاه توسط شرکت چینی و ۵۰۰ دستگاه نیز توسط شرکت داخلی ساخته و وارد چرخه خدمت‌رسانی خواهد شد و استفاده از اتوبوس‌های برقی تأثیر بسزایی را در کاهش آلودگی هوا و موضوعات زیست‌محیطی خواهد داشت.

وی اضافه کرد: نوسازی اتوبوس‌های پایتخت از سال ۱۴۰۰ آغاز شد و در آن مقطع ۱۷۵ دستگاه اتوبوس خریداری و وارد چرخه خدمت‌رسانی شد و تاکنون ۹۵۰ دستگاه اتوبوس نوسازی شده‌اند. البته تعداد اتوبوس‌های مورد نیاز برای شهر تهران بالغ بر ۷ هزار دستگاه است و ان‌شاءالله فرآیند نوسازی اتوبوس‌ها تا پایان این دوره از مدیریت شهری ادامه خواهد داشت.

علیزاده افزود: با تأمین اتوبوس‌های جدید و طبق برنامه‌ریزی‌های صورت گرفته این اتوبوس‌ها در مناطق مختلف پایتخت تقسیم‌بندی خواهند شد و این روند می‌تواند مورد استقبال و رضایت شهروندان باشد.

وی همچنین به تولید اتوبوس توسط کارخانجات اتوبوس اشاره و بیان کرد: با توجه به اینکه بیش از ۱۰ سال خط تولید اتوبوس‌های داخلی نیمه‌فعال یا متوقف شده‌بود، تمهیداتی برای فعال کردن این خطوط صورت گرفته‌است و هم‌اکنون تولیدکنندگان داخلی اتوبوس‌ها را تهیه می‌کنند و به شرکت اتوبوسرانی تحویل می‌دهند.